

در باره مصاحبه اخیر محمود صالحی

زارعیان

امید
شنبه ۲
اردیبهشت ۱۳۹۱

محمود صالحی در روزهای اخیر با Anne Sophie Balle خبرنگار روزنامه متعلق به اتحادیه «کارگری» CFDT فرانسه مصاحبه ای انجام داده است. صالحی در این مصاحبه نکاتی را طرح کرده است که اگر چه بازگوئی حرفهای همیشگی او و رفرمیسم راست سندیکالیستی است اما به لحاظ غلظت و صراحت رفرمیستی دست اظهارات پیشین وی را از پشت بسته است. مصاحبه کوتاه است و مختصر حرف های محمود در این گفتگو این هاست:

۱. او در پاسخ این سؤال که « چگونه تعهدات سندیکائی خود را پیش می برید؟ » بدون هیچ اشاره ای به اشکال مختلف سازمانیابی مورد انتظار و قبول رویکردهای مختلف درون جنبش کارگری ایران، یکر است پا پیش می گذارد و وانمود می کند که گویا کل طبقه کارگر در هفت آسمان آرزوهایش فقط ساختن سندیکا و تشکیل اتحادیه را دنبال می کند!! صالحی در همان حال مطابق سنت و عرف رفرمیسم چپ با اضافه کردن واژه مستقل به لفظ اتحادیه بر روی ماهیت تماماً ارتجاعی رفرمیسم اتحادیه ای پرده می اندازد. او می گوید «بسیاری از کارگران همچنان خواستار تشکیل اتحادیه های مستقل هستند» شاید کسی تصور کند که مراد صالحی از کلمه «بسیاری» این است که بسیاری از کارگران هم برای اشکال دیگر سازمانیابی، از جمله شوراهای کارگری ضد سرمایه داری مبارزه می کنند. چنین تصویری غیرواقعی است. حرف محمود صریح است. او توضیح می دهد که دیکتاتوری هار حاکم هر تلاش برای متشکل شدن را سرکوب می کند، با این وصف هنوز عده ای از کارگران خواستار برپائی اتحادیه می باشند. به این ترتیب او هر تلاش کارگران ایران یا فعالین جنبش کارگری برای برپائی تشکل ضد سرمایه داری و شورائی را مورد انکار قرار می دهد و بر وجود چنین جهتگیری هائی در میان طبقه کارگر ایران خط بطلان می کشد. بخش دوم پاسخ محمود نیز همان گونه که اشاره شد افزودن کلمه مستقل به نام اتحادیه با هدف پوشاندن ماهیت عمیقاً رفرمیستی جنبش اتحادیه ای می باشد. مراد محمود و تمامی محمودهای دنیا از اتحادیه مستقل روشن است. اتحادیه ای که علی الظاهر ساخته و پرداخته دولت نیست اما با تمامی تار و پودش در نظم سرمایه و مصالح و ملزومات سودآوری طبقه سرمایه دار منحل است. اتحادیه ای مستقل از نوع همین CFDT، اتحادیه های

کارگری امریکا و کانادا و اروپا، همان اتحادیه هائی که یک قرن است جنبش کارگری بین المللی را در گورستان منافع سرمایه دفن کرده اند و هر نوع افق، امید، توان و تصور مبارزه علیه بردگی مزدی را از ذهن و زندگی توده های کارگر پاک نموده اند. اتحادیه هائی که وجود دارند تا نطفه هر جنب و جوش ضد کار مزدی را در درون طبقه کارگر خفه سازند. محمود با پاسخ کوتاه خود به رفرمیسم اتحادیه ای وعده می دهد که در جنبش کارگری ایران هیچ کارگری، هیچ رویکرد کارگری و هیچ بخش طبقه کارگر اصلاً خیال مبارزه علیه سرمایه داری ندارد، همه خواستار اتحادیه های تسلیم نظام بردگی مزدی هستند و همه می خواهند که از طریق حمایت شما موفق به سندیکاسازی و مبارزه سندیکائی گردند!!

۲. خبرنگار CFDT می پرسد که کارگران چه مطالباتی دارند و بخشی از پاسخ محمود این است که « قوه مقننه ایران کمبودهائی دارد »!! او این کمبودها را هم توضیح می دهد، می گوید که « کارگاههای دارای کمتر از ۱۰ کارگر مشمول قانون کار نمی شوند» بعداً هم کارگران نصف حقوق مصوبه شورای عالی کار را می گیرند، در حالی که همه این حقوق را می خواهند!!! اظهارات محمود بسیار زشت و غیرواقعی است. او روز روشن بدترین دروغ ها را به طبقه کارگر ایران نسبت می دهد. چنین وانمود می کند که گویا مشکل جنبش کارگری « کمبودهای قوه مقننه » جمهوری اسلامی است!!! گویا محروم ساختن میلیونها کارگر کارگاههای دارای کمتر از 10 کارگر هر نوع حقوق اولیه معیشتی و اجتماعی فقط یک کمبود در قوه مقننه ایران است!!! گویا کل معضل طبقه کارگر این است که در دائره شمول قانون کار جمهوری اسلامی قرار ندارد! و از نعمات این قانون بهره مند نمی گردند!!! به نظر نمی رسد سوای عوامل مستقیم دولت اسلامی سرمایه این گونه صریح و اقعیت های مربوط به مطالبات و مبارزات توده های کارگر را وارونه کنند. تا امروز فقط عناصر رژیم اسلامی بوده اند که کل انتظارات طبقه کارگر را در اجرای قانون کار رژیم و رسیدگی بیشتر دولت به کارگران خلاصه می کرده اند و این بار محمود صالحی است که بار این رسالت را به دوش می کشد. محمود می گوید کارگران نصف دستمزد مصوبه شورای عالی کار را دریافت می کنند اما خواستار همه این دستمزد هستند!! این نیز دروغ زشتی است. هیچ کارگری در ایران هیچگاه از دستمزد مصوبه شورای عالی کار دولت هار اسلامی نه فقط هیچ رضایتی نداشته، که همواره با هر وسیله ممکن علیه آن دست به اعتراض زده است.

۳. سومین پرسش خبرنگار این است: « در حالی که فعالیت های شما از سوی دولت غیرقانونی و ممنوع شده است، در رابطه با مطالباتتان به چه کسی رجوع می کنید؟» محمود پاسخ می دهد که معضل

کارگران در ایران سه جانبه گرائی است و اظهار تأسف می کند که کارگران ایران مثل کارگران اروپا از موهیت دوجانبه گرائی برخوردار نیستند. معنی حرف صالحی این است که دو جانبه گرائی و به زبان واقعی جایگزینی مبارزه طبقاتی با جنبش اتحادیه ای آرزویی است که کارگران ایران دارند ولی قادر به تحقق آن نشده اند!! این سخن محمود مثل تمامی حرف های دیگرش وارنه پردازی توهم باری است که علیه جنبش کارگری سرهم بندی می کند. توده های کارگر تاریخاً بدون احساس نیاز به رفرمیسم اتحادیه ای، بدون هیچ گونه حلق آویزی خود به دار قانون سرمایه و قوه مقننه مورد پرستش محمودها، گسترده ترین اعتصابات را علیه صاحبان سرمایه و حتی دولت سرمایه داری سازمان داده اند. حرف دل آن ها هیچگاه ساختن سندیکا و آویختن به قانون کار و بستن دخیل به قوه مقننه نبوده است. این فقط رفرمیست ها و اتحادیه چپان سرمایه سالارند که تاریخاً تلاش کرده تا جنبش کارگری را به این راه بکشانند. توده های کارگر دهه های متمادی است که هر سال دهها بار بیشتر از کارگران اروپا چرخ کار و تولید را از کار باز داشته اند. عظیم ترین اعتصابات را راه انداخته اند، شهرها را تعطیل کرده اند، بزرگراهها را مسدود ساخته اند و بسیاری کارهای دیگر انجام داده اند. آن ها همه این خیزش ها و مبارزات را بدون هیچ رجوع به قانون سازمان داده اند. اگر شکست خورده اند، اگر سرکوب گردیده اند، اگر به نتیجه نرسیده اند نه در اثر کسر و کمبود دوجانبه گرائی و نداشتن ظرف مماشات با سرمایه داران، که فقط به خاطر فقدان صف مستقل ضد کار مزدی و نداشتن یک جنبش نیرومند شورائی سرمایه ستیز بوده است. محمود مثل همه سندیکالیست های راست، دنیائی وارنه پردازی می کند تا در قلب سندیکالیست های هم نوع جائی برای خود جستجو کند و از این طریق دفتر و دستک سندیکابازی را رونق بخشد. او پیش تر نیز با ارسال نامه های پی در پی برای « گای رایدن» عنصر مزدور سرمایه جهانی همین هدف را دنبال کرده است.

۴. خبرنگار از محمود می پرسد: « در مقابل نبود یک مخاطب واقعی در سطح ملی و جامعه بین المللی بی کفایت، آیا همبستگی سندیکاهای بین المللی تنها راه ممکن نیست؟ چه انتظاراتی از آنها دارید» و محمود جواب می دهد که از همه سندیکاهای فرانسوی به ویژه س.اف.د.ت بسیار خوشبین است!!! محمود بسیار ناشیانه به کاهدان زده است. آنچه را او به عنوان منجی موعود و ستاره راهنما برگزیده است امامزاده ریا و دروغ و ترفندی است که هر کارگر فرانسوی یا هر کارگر اروپائی دارای حداقل شعور ضد سرمایه داری سوای سب و لعن و نفرت چیز دیگری نصیبش نمی سازد. محمود نمی داند که از کل کارگران فرانسه کمتر از ۱۰ درصد عضو کل اتحادیه ها هستند و در این میان سهم اتحادیه منجی وی از همه کمتر است. محمود درک نمی کند که کارگران فرانسه تاریخاً از همه بخش های دیگر طبقه کارگر اروپا بسیار رادیکال تر پیش تاخته اند و این صرفاً به یمن نفوذ کمتر رفرمیسم

اتحادیه ای در آن ها بوده است. محمود نمی داند که توده های کارگر فرانسه از کارگران سایر ممالک اروپا بیشتر، گسترده تر و عاصی تر به جنگ سرمایه داران رفته اند و این چیزی است که به موقعیت ضعیف اتحادیه ها در مهار این مبارزات ربط داشته است.

امید زارعیان - آپریل ۲۰۱۲

منبع: سایت کمونیست امروز